

■ نفت؛ آسیای میانه و تکالیف ما

کار: گروه تحقیق

مسئول گروه: ماشاء الله نژاد

اشاره:

جمهوری تاجیکستان از یکسو همچنان پس از تحولات سیاسی منقطع بوده و از سوی دیگر با مشکلات اقتصادی و سیاسی - اقتصادی نیز مواجه هستند. تورم هنوز از حمله عوامل ناگوار در اقتصاد این کشورها است. سیاست های ملی و پولی دولت ها در نزد مردم از اعتبار کافی برخوردار نیست. ضمن آنکه به تدریج از سرعت کاهش تولید ناخالص داخلی در این جمهوریها کاسته می شود. در تحولات اقتصادی، روسیه به عنوان پیشرو عمل می کند. و تاکنون این کشور توانسته به موفقیت های نسبی نیز دست یابد.

مجموع تولیدات این جمهوریها زمانی ۱۲ میلیون بشکه در روز بود در آن زمان شوروی در دوره ۱۹۸۸-۱۹۸۰ به عنوان بزرگترین تولیدکننده جهان شناخته می شد. اما به تدریج با طی روند پولی، تولید این جمهوریها به ۶-۶۵۰ میلیون بشکه در روز رسیده است. نکته قابل توجه حمله سطح صادرات نفت در این تحولات است زیرا علی رغم کاهش تولید نفت صادرات در سطحی بیش از ۲ میلیون بشکه در روز حفظ شده و فشار ناشی از کاهش تولید به بخش مصرف داخلی منتقل شده است.

در حال حاضر، جمهوری قزاقستان برای صادرات نفت خود با مشکلات جدی مواجه بوده و جمهوری آذربایجان نیز از عمده ترین نگران صادرات آینده نفت است.

به نظر می رسد مسیر آینده آن برای صادرات نفت، گاز جمهوری آسیای میانه از طریق جمهوری اسلامی ایران است اما در یک سر روسیه به دلیل ازدست دادن منافع مشترک و دولت آمریکا به دلیل سیاستهای خصمانه بر علیه کشورهای منبع از همکاری این جمهوریها، ایران می شوند.

ترکمنستان که قصد داشت به دلیل مخالفت روسیه با صادرات گازش از طریق روسیه، از صادرات خود را از طریق ایران به ترکیه منتقل کند، با اعلام مخالفت آمریکا مواجه شد. از این رو، دولت ترکمنستان در نظر دارد با آمریکا توافق مورد نیاز مطلق شده کشورهای ترکمنستان به همین مقدار صادرات بسنده کند.

گزارش حاضر ضمن تشریح مسوئله بندهای فوق چنین نتیجه گیری می کند که: حضور فعال ایران در موازنه نهایی این مسئله بسیار با اهمیت و تعیین کننده خواهد بود. این در حالی است که وجود شبکه وسیع خطوط برنه گاز طبیعی، فرآورده های نفتی و نفت خام در سطح کشور، وجود ۴ پالایشگاه با ظرفیت روزانه نزدیک به ۵۰۰ هزار بشکه در روز در شمال کشور، دسترسی به بازارهای نفت از بنادر مجوز جنوب کشور، بدون تردید زمینه مناسب برای دیپلماسی فعال نفتی را نیز مهیا ساخته است. فعالیت کشورمان در اکثر در قبایل کشورهای آسیای میانه به هیچ وجه نباید دیپلماسی نفتی به ویژه با کشورهای ترکمنستان و قزاقستان را تحت الشعاع قرار دهد بلکه این دو زمینه، می توانند تکمیل یکدیگر بوده و با موفقیت تداوم یابند.

لازم به ذکر است که در تهیه این گزارش از همکاری آقایان سیدعلی علوی و محمدپویان نیز استفاده شده است.

پیش نوشتار

که متضمن تحقق ۹۱۰۰ میلیارد روبل (۲/۰۶ میلیارد دلار) درآمد است که از طریق فروش سهام بیش از ۱۰۰ شرکت که مالکیت دولتی دارند ایجاد خواهد شد. این برنامه در واقع جهت تأکید هرچه بیشتر دولت بر سیاست خصوصی سازی طراحی شده است. این اقدامات ممکن است موجب افزایش درآمدها شده و توانایی رقابت اقتصاد این کشور را بهبود بخشیده و بازار سهام این کشور را نیز با رونق بیشتری روبرو کند.

به طور کلی پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی جمهوریهای شوروی سابق GDP در سال ۱۹۹۵ با نرخ کمتری نسبت به سالهای پیش کاهش یابد (۵/۵ درصد). میزان کاهش نرخ GDP در سال ۱۹۹۴ در این جمهوریها به ۱۳/۷ درصد رسید. اطلاعات کاملی که درباره عملکرد اقتصادی جمهوریهای شوروی سابق در دست است مربوط به سال ۱۹۹۳ و اوایل سال ۱۹۹۴ است که نشان دهنده تفاوت قابل توجه شاخصهای اقتصادی در این جمهوریهاست. در پایان سال ۱۹۹۳ و اوایل سال ۱۹۹۴ جمهوریهای منطقه بالتیک علی رغم افزایش تورم، موفق شدند تا حدودی ثبات مالی را در کشورهای خود محقق کنند.

اقتصاد کشور استونی در حال رشد است در حالی که اقتصاد کشورهای «لتونی و لیتوانی» نیز در مسیر رشد قرار گرفته اند. در میان دولتهای مستقل مشترک المنافع^(۱)، فقط

جمهوریهای شوروی سابق همچنان با عدم ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه رو هستند. به ویژه بحران چچن، افکار اجتماعی - سیاسی روسیه را تحت تأثیر قرار داده و حمایت خارجی از دولت روسیه و به خصوص اعتماد سرمایه گذاران به این کشور را تضعیف نموده است. در سال ۱۹۹۴ تولیدات صنعتی در شوروی سابق تا ۲۱ درصد کاهش یافت. صنایع سبک، بخش تولیدات ماشین آلات و مواد شیمیایی از جمله بخشهایی بودند که به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند.

مسأله تورم هنوز بزرگترین نگرانی در این جمهوریهاست، زیرا تقاضای داخلی دلیل پرداخت سوبسیدهای روزافزون دولت به بخشهای دولتی است که از سودآوری و کارایی لازم برخوردار نیستند. سطح پایین تولیدات داخلی، هزینه بالای کالاهای وارداتی و کاهش شدید ارزش «روبل» آثار این نقاط ضعف را بیش تر از پیش نمایان ساخته است. سیاستهای مالی و پولی دولت نیز از اعتبار چندانی نزد افکار عمومی، برخوردار نیست. با این وصف، پارلمان روسیه بودجه سال ۱۹۹۵ را با پذیرش کسر بودجه ای معادل ۵ درصد GDP به تصویب رسانده است و دولت و بانک مرکزی در تلاش بوده اند تا نرخ ماهانه تورم را تا نیمه سال ۱۹۹۵ به یک درصد کاهش دهند.

دولت اخیراً برنامه هایی را اعلام نموده

جمهوریهای دیگر از پایین‌ترین نرخ

جدول شماره (۲) - تولیدات صنعتی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (۱۹۹۳)

نام کشور	درصد تغییرات
ترکمنستان	۵/۳
مولداوی	۴/۲
ازبکستان	۴/۱
آذربایجان	-۶/۸
روسیه سفید	-۱۰/۹
ارمنستان	-۱۱/۱
اکراین	-۱۲/۵
قزاقستان	-۱۶/۱
روسیه	-۱۶/۲
تاجیکستان	-۱۹/۵
قرقیزستان	-۲۴/۲
گرجستان	-۲۶/۶

Plan Econ Report

Developments in the Former USSR

منبع

برخوردار بوده است. می‌توان گفت روسیه در مهار کردن نرخ تورم از پیشرفت نسبتاً خوبی برخوردار بوده به طوری که در سه ماهه اول سال ۱۹۹۴ نرخ تورم را که در سه ماهه چهارم ۱۹۹۳ برابر با ۱۶ درصد در هر ماه بود به ۱۳ درصد کاهش داد. از نظر شاخص تولیدات صنعتی در سال ۱۹۹۳ و اوایل سال ۱۹۹۴ فقط ترکمنستان، مولداوی و ازبکستان توانسته‌اند رشدی به ترتیب برابر با ۵/۳، ۴/۲ و ۴/۱ درصد داشته باشند ولی در سایر جمهوریها و حتی روسیه، کاهش تولیدات صنعتی وجود داشته است (جدول شماره ۲). البته عملکرد اقتصادی ترکمنستان تا حد زیادی به تولید

ترکمنستان توانسته است در سال ۱۹۹۳ به میزان ۸ درصد درآمد ملی خود را افزایش دهد. درآمد ملی سایر کشورها بین ۴ تا ۱۶ درصد کاهش داشته است. بیشترین میزان کاهش در تاجیکستان و گرجستان رخ داده که دلیل عمده آن وقوع جنگهای داخلی است (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱) - شاخص تغییرات رشد تولید ناخالص ملی (GDP) در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (۱۹۹۳)

نام کشور	درصد تغییرات
ترکمنستان	۷/۸
ازبکستان	-۳/۵
مولداوی	-۴
روسیه سفید	-۹
ارمنستان	-۹/۹
روسیه	-۱۲
قزاقستان	-۱۳
آذربایجان	-۱۳/۳
قرقیزستان	-۱۳/۴
اکراین	-۱۶
تاجیکستان	-۲۱
گرجستان	-۳۵

Plan Econ Report

Developments in the Former USSR

منبع:

در حال حاضر روسیه به عنوان پیشرو اصلاحات اقتصادی در بین کشورهای مشترک‌المنافع ظهور کرده است. سیاست خصوصی‌سازی در روسیه بیش از سایر جمهوریها پیشرفت داشته، اگرچه نرخ تورم در روسیه در مقایسه با کشورهای بالتیک میزان بیشتری بوده اما در مقایسه با

امن زین بنائین

جدول شماره (۳) - روند تولید، مصرف و صادرات نفت شوروی (میلیون بشکه در روز)

۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	
۶۶۵۰	۶۶۹۰	۷۸۱۴	۸۹۹۶	۱۰۳۷۰	۱۱۵۵۰	۱۲۳۰۰	۱۲۴۵۲	۱۲۴۸۸	۱۲۲۸۹	تولید نفت
۴۳۵	۴۱۷۵	۵۴۹۰	۶۹۰۰	۸۳۹۰	۸۶۵۰	۹۷۳۷	۹۵۵۸	۹۱۳۱	۹۶۸۳	تقاضای داخلی نفت
۲۳۰۰	۲۲۱۰	۲۳۲۰	۲۰۹۰	۲۰۱۰	۲۹۰۰	۲۵۶۳	۲۸۹۴	۲۷۵۰	۲۶۰۶	صادرات

است.

با وجود کاهش تولید نفت شوروی سابق به میزان ۴۴ درصد از سال ۱۹۸۷ تاکنون، صادرات نفت آن در همین سطح کاهش یافته، زیرا نیاز شدید به ارز خارجی باعث شده که بیشترین فشار مربوط به کاهش تولید نفت به بخش مصرف داخلی منتقل شود و صادرات در سطح بیش از ۲ میلیون بشکه در روز تداوم یابد.

انتظار می رود تولید نفت در شوروی سابق همچنان به روند نزولی خود ادامه دهد. در سال ۱۹۹۴ متوسط تولید نفت در این جمهوریها ۶۰۹۶۰ میلیون بشکه در روز بود. انتظار می رود که تا پایان سال ۱۹۹۵ میزان متوسط تولید با کاهش ۳۱۰ هزار بشکه به ۶۰۶۵۰ میلیون بشکه در روز بالغ شود. این کاهش نرخ، نسبت به سالهای قبل میزان کمتری است به طوری که کاهش نرخ در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به ترتیب برابر با ۱۰۳۷۴۰۰۰ و ۱۰۱۸۲۰۰۰ بشکه در روز بوده است (جدول شماره ۳).

دلیل عمده کاهش تولید نفت در این منطقه مسایل مربوط به چاههای غیرفعال و کاستی های مربوط به تعمیرات یا تأخیر

گاز طبیعی این جمهوری بستگی دارد. در سال ۱۹۹۳ این جمهوری توانست تولید گاز طبیعی خود را تا ۹ درصد افزایش دهد و آن را به ۶۵۰۲ میلیارد متر مکعب برساند که این امر منجر به رشد ۵۰۳ درصد افزایش در تولیدات ناخالص صنعتی این جمهوری شد.

وضعیت تولید نفت در جمهوریهای شوروی سابق

الف - سابقه تاریخی تولید نفت

تولید نفت در شوروی از حدود سه میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۶۰ به حدود ۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۰ رسید و پس از آن با افزایش تدریجی به ۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ بالغ گردید. اوج تولید شوروی در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۰ بود که در این برهه بیش از ۱۲ میلیون بشکه در روز نفت در شوروی تولید می شد. پس از آن، زمان انقوت تولید بزرگترین تولید کننده نفت جهان فرا رسید که به تدریج با کاهش تولید، موقعیت شوروی در جهان تنزل یافت به طوری که، هم اکنون عربستان با حدود ۸ میلیون بشکه در روز بزرگترین تولید کننده نفت در جهان

قراردادهای مشارکت در تولید^۱ به افزایش تولید این کشور منجر شود.

با تشکیل کنسرسیوم تولید نفت دریای خزر در جمهوری آذربایجان انتظار می رود تولید نفت خام این جمهوری نیز از میزان فعلی ۲۰۰ هزار بشکه در روز به ۷۰۰ هزار بشکه در روز طی سالهای آتی افزایش یابد. کشور قزاقستان نیز قصد دارد تولید روزانه نفت خود را به ۴۵۰ هزار بشکه در روز برساند و سپس در ادامه این روند تولید این جمهوری به ۶۰۰ هزار بشکه در روز برسد و سرانجام در سال ۲۰۰۰ به سطح تولید یک میلیون بشکه در روز دست یابد. تولید نفت ازبکستان در هشت ماه اول سال ۱۹۹۴ با ۳۸ درصد افزایش به ۱۰۵ هزار بشکه در روز رسید و انتظار می رود تولید نفت در این جمهوری با روند افزایش در سالهای آینده توأم باشد.

به گزارش خبرگزاری ازبکستان، اخیراً بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری مربوط به طرح افزایش تولید نفت خام و گازهای همراه در منطقه «کوک دو مالاک» از ظرفیت تولید ۳ میلیون تن در سال به ۴۰۵ میلیون تن برای سال ۱۹۹۶ تأمین اعتبار مائی شده است.

ج - وضعیت راههای صادراتی

قبل از تقسیم شوروی به جمهوریهای کوچکتر، صادرات نفت و فرآورده های نفتی مناطق مختلف از طریق خطوط لوله، راه آهن و تانکرهای نفتی توسط دولت مرکزی صورت می گرفت. جهت این امر، سیستمهای لازم ایجاد شده بود تا نفت خام

ناشی از کمبود تجهیزات بوده است. انتظار می رود روند ترقی گاهش نرخ تولید نفت در این جمهوریها همچنان در آینده ادامه داشته باشد. با نقطه ثبات تولید به دست آمده و سپس روند صعودی تولید آغاز گردد. براساس ارقام موجود، صادرات خالص نفتی این جمهوریها در سال جاری، نسبت به سالهای قبل افزایش یافته است. زیرا علی رغم کاهش تولید نفت، روند صادرات کشورهای مشترک المنافع در سالهای اخیر، صعودی بوده است.

هم اکنون در میان جمهوریهای مستقل مشترک المنافع روسیه ۸۸ درصد نفت خام، ۸۲ درصد گاز طبیعی و ۵۶ درصد ذغال سنگ را از مجموع منابع انرژی زا در مجموعه شوروی سابق تولید می کند.

ب - برنامه های آتی تولید

صاحب نظران معتقدند روند کاهش تولید نفت روسیه در آینده نزدیک معکوس شده و به تدریج تولید نفت روسیه افزایش خواهد یافت. زیرا با وجود جو نامساعدی که برای سرمایه گذاری در روسیه وجود دارد، شرکتهای خارجی بیش از ۱۷۰۰ چاه نفت را تعمیر کرده و از این طریق روزانه ۷۰ هزار بشکه به ظرفیت تولیدی نفت روسیه افزوده اند. بر اساس اخبار منتشر شده شرکتهای خارجی که به صورت مشارکت JOINT VENTURE در روسیه فعالیت دارند هم اکنون روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت خام تولید می کنند و به نظر می رسد به زودی تداوم این فعالیتهای، به ویژه تغییر قوانین مربوطه در روسیه و آزادی

شرکت آمریکایی «شورون» که از سرمایه‌گذاران مهم این حوزه نفتی است هم‌اکنون برای بازگشت سرمایه خود نگران است. زیرا با وجود موفقیت‌های به‌دست آمده در اکتشاف و تولید این حوزه نفتی، عدم پیش‌بینی مناسب جهت انتقال نفت باعث کندی در روند بهره‌برداری آن شده است. زیرا در ابتدا روسیه به بهانه وجود یکی از ترکیبات گاوگردی بنام مرکاپتان^(۱) در نفت خام حوزه تنگیز صادرات آن را محدود کرد و طرف‌های ذی‌نفع را مجبور ساخت میلیون‌ها دلار برای جداسازی این ماده از نفت سرمایه‌گذاری کنند. اما پس از رفع این مشکل روسیه به بهانه‌ای دیگر متوسل شد و محدودیت ظرفیت انتقال را سبب عدم امکان انتقال بیشتر نفت اعلام کرد. اما هدف اصلی روسیه آن است که طرف‌های ذی‌نفع را به سرمایه‌گذاری در خط لوله پیشنهادی مسکو مجبور کند. در این مورد شرکت شورون در کنفرانس بین‌المللی نفت و گاز که در اکتبر ۱۹۹۴ در آلمان تشکیل شده بود، رسماً اعلام کرد که فشارهای زیادی برای عضویت این شرکت در کنسرسیوم خط لوله دریای خزر وجود دارد. اما این شرکت تسلیم سرمایه‌گذاری در طرحی که شرایط غیرمتناسبی دارد، نخواهد شد.

کنسرسیوم خط لوله دریای خزر با شرکت روسیه، عمان، قزاقستان و یک شرکت انگلیسی تشکیل شده و هدف آن

و فرآورده‌های نفتی مازاد از مناطق مختلف جمع‌آوری و صادر شود. هم‌اکنون نیز این سیستم قادر به صادرات نفت مخازن قدیمی است اما جهت صادرات نفت و گاز از مخازن جدیدی که پس از تقسیم شوروی به جمهوریهای مستقل، کشف شده و یا توسعه‌یافته‌اند، ایجاد سیستم جدید صادرات و یا اتصال به سیستم قدیمی الزامی است. در این مورد، هدف روسیه احیای سیستم سنتی و اتصال مخازن جدید و توسعه یافته نفت به سیستم قبلی است. به‌گونه‌ای که با قبل از تقسیم شوروی سابق تفاوت زیادی نداشته و کماکان مسکو به صادرات نفت این جمهوریها تسلط کامل داشته باشد، اما تمایل جمهوریهای دیگر و نیز سرمایه‌گذاران خارجی غیر از آن است، زیرا تجربه قزاقستان در این مورد گویای واقعیت‌های فراوانی است.

۱ - صادرات نفت جمهوری قزاقستان: همان‌طور که اشاره شد، جمهوری قزاقستان برنامه وسیعی جهت افزایش تولید نفت خود داشته که در صورت تحقق خطوط انتقال دهنده و مسیر مربوطه بسیار تعیین‌کننده خواهد بود، زیرا هم‌اکنون یک نمونه از این سرمایه‌گذارها با موفقیت به پیش رفته و حوزه «تنگیز» هم‌اکنون آماده تولید با حداکثر توان است. اما به دلیل مشکلات جاری و نبودن سیستم مطمئن انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی، در حال حاضر بسیار کمتر از توان این حوزه نفتی برداشت می‌شود.

ایجاد شبکه‌ای از خطوط ابراهیم است که انواع نفت خام تازه تولید، نوزده دریای خزر را به شبکه قدیمی خطوط انتقال نفت شوروی سابق متصل کند که در نتیجه صادرات این جمهوریها کاملاً تحت کنترل روسیه انجام شده و از این محل سود سرشاری نصیب این کشور خواهد شد. نفت خام تنگیز با عدد (ای پی - آی) API-47، نفت خام کم گوگرد و گرانبهایی است که صادرات آن در حال حاضر برای دولت قزاقستان و نیز سرمایه‌گذاران خارجی مقدور نیست. زیرا مقدار محدودی از این نفت خام که روسیه با صادرات آن موافق است با انواع نفت خام تولیدی در سراسر شوروی سابق در خطوط لوله مخلوط شده و در نهایت در ساحل دریای سیاه به عنوان نفت خام اه رال که از کیفیت و مرغوبیت کمتری نسبت به نفت خام تنگیز برخوردار است به بازارهای بین‌المللی عرضه می‌شود. با توجه به عدم‌کنترل روسیه و نیز شرایط غیرقابل اطمینان در جمهوریهای دیگر به دلیل درگیریهای داخلی و بی‌انگیزگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دروازه‌های طلایی برای بازگشت سرمایه‌گذاری به عمل آمده در صنایع نفت و گاز منطقه آسیای میانه مورد توجه قرار گرفته است.

برای رساندن نفت خام کشورهای حاشیه دریای خزر به بازارهای بین‌المللی، راههای مختلفی تصور است که بهترین، امنترین و اقتصادی‌ترین این راهها از طریق جمهوری اسلامی ایران است. اما از یک سو روسیه به دلیل منافع سرشار و نیز تلاش

تسلط اقتصادی - سیاسی خود بر جمهوریهای تازه استقلال یافته و از سوی دیگر آمریکا به دلیل سیاستهای خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، این کشورها را از همکاری با کشورمان برحذر می‌دارند. برای انتقال نفت کشورهای حاشیه دریای خزر به بازارهای بین‌المللی، راههای مختلفی وجود دارد که بهترین آنها عبارتند از:

- ۱- عبور از مسیر جمهوری اسلامی ایران و ترکیه که احداث خط لوله‌ای در این مسیر، طرفداران فراوانی دارد.

- ۲- عبور از خاک جمهوری اسلامی ایران و انتقال نفت به خلیج فارس یا دریای عمان.
- ۳- استفاده از نفت این جمهوریها به وسیله پالایشگاههای تبریز، اراک، تهران و اصفهان و تحویل معادل آن از انواع نفت خام صادراتی کشورمان در ترمینالهای صادراتی خلیج فارس. هر چند برای جذب نفت خام جمهوریهای ترکمنستان و قزاقستان در پالایشگاههای موجود کشور باید مطالعات دقیق از لحاظ کیفیت محصولات و همچنین اثر آن روی ظرفیت دستگاه انجام گیرد، ولی این امر مانعی در این معاوضه به حساب نمی‌آید. جهت تحقیق بندهای ۲ و ۳ باید خط لوله‌های مربوط طراحی و از سواحل شمالی کشورمان تا مقاصد مربوطه کشیده شوند. نشریات نفتی اعلام کرده بودند که یک محموله نفت خام تنگیز از طریق آبهای دریای خزر به سواحل شمالی کشورمان منتقل شده است. این محموله قرار بود به تدریج توسط کامیونهای نفتکش به

سواحل جنوبی کشورمان برده شود.

پرواضح است که این شیوه به دلیل هسزینه‌های قابل توجه حمل و نقل و محدود بودن مقدار جابه‌جایی، اقتصادی نبوده و پاسخگوی نیازهای مربوطه نخواهد بود و صرفاً عزم جمهوری اسلامی ایران در همکاری با این کشورها را نشان می‌دهد.

۲ - صادرات نفت جمهوری آذربایجان:

با تشکیل کنسرسیوم بهره‌برداری از منابع نفتی جمهوری آذربایجان در دریای خزر، تولید نفت از این منابع بسیار جدی شده است، اما از هم‌اکنون مشکل انتقال نفت این جمهوری همچون قزاقستان کمتر از تولید نفت نیست و روسیه تلاش می‌کند این کار از طریق روسیه انجام شود و در این ارتباط سعی در نشان دادن قدرت خود در منطقه داشته و در صدد است مسیر مربوط را پاکسازی کند. از این رو به جمهوری چین لشکرکشی کرد. اما این درگیری و عدم موفقیت روسیه باعث سلب اعتماد از روسیه شده است. کنسرسیوم بهره‌برداری از میادین ساحلی جمهوری آذربایجان به سرپرستی شرکت‌های بریتیش پترولیوم انگلیس (B.P) و استات اویل نروژ (STAT OIL) تشکیل گردید و شرکت‌های آموکو، مک دیرموت اینترنشنال اینکورپوریت، پتراویل، آن اوکال کورپ، برتین رامکو انرژی، دلتانیجر عربستان، لوک‌لویل روسیه و شرکت نفت ترکیه نیز در آن عضو هستند. نماینده جمهوری آذربایجان در این کنسرسیوم

شرکت سوکار^{۱۱} است که یک چهارم سهم بیست درصدی خود را در قبال اجرای طرح‌های انرژی در ایالت خود مختار نخجوان به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرده بود و این موضوع ناخشنودی آمریکا را فراهم آورد. از این رو دولت آمریکا تهدید کرد که در صورت ورود کشورمان به کنسرسیوم مزبور شرکت‌های آمریکایی این کنسرسیوم را ترک خواهند کرد. در نتیجه فشارهای آمریکا، کنسرسیوم از پذیرش کشورمان معذور گشت. در شرایطی که کشورها و شرکت‌های مختلف از اقصی نقاط جهان در منطقه آسیای میانه به دنبال جای پای مناسب و منافع هستند، حضور کشورمان با توجه به ویژگی‌های خاص در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی الزامی است.

د - جنگ چین

برخی از صاحب‌نظران معتقدند هجوم نظامی روسیه به جمهوری چین به دلیل اعمال حاکمیت در این جمهوری بوده تا بستر مناسب را جهت ساخت ادامه خط لوله تنگیز - گروزنی، فراهم کند. زیرا در این صورت ۲۵ میلیارد بشکه ذخایر حوزه تنگیز را می‌توان از این مسیر عبور داده، وارد بازارهای بین‌المللی کرد.

با ادامه توسعه مخازن نفت و گاز جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان اهمیت خط لوله گروزنی (پایتخت جمهوری چین) معلوم گردیده، اما از طرف دیگر

خارجه اسبق آمریکا که در حال حاضر مشاور رئیس جمهور ترکمنستان است در جلسه‌ای که در رابطه با پروژه فوق در آنکارا تشکیل شد، گفت: ۳۵ درصد از سرمایه اولیه برای اجرای این پروژه ۴ هزار کیلومتری توسط سهامداران و ۶۵ درصد به صورت دریافت وام تأمین خواهد شد.

احداث خط لوله صادراتی نفت و گاز؛ رقابت آمریکا و روسیه

مسیرهایی که باید برای کشیدن خطوط لوله صادراتی تعیین شود تا نفت قزاقستان و آذربایجان را به بازارهای مصرف برساند. همچنان مورد بحث و بررسی است. در حال حاضر به نظر می‌رسد که ترکیه و شرکت مشاوران آمریکایی «Brown & Root» به این نتیجه رسیده‌اند که مسیر مستقیم از میادین تنگیز به بندر ترکی سیحان در ترکیه از طریق بندر «ماخاچکالا» در داغستان، پایتخت قفقاز یعنی تفلیس و دریاچه بای بزرگ در فرات می‌تواند برای انتقال نفت قزاقستان مسیر مناسبی باشد.

تعیین مسیرهای خط لوله در کنفرانسی که در مؤسسه آدام اسمیت در لندن تحت عنوان «خطوط نفت و گاز در جمهوریهای آسیای مرکزی» برگزار شد، نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

تعیین مسیر این خط لوله‌ها در حال حاضر با مسائل سیاسی و مالی پیچیده‌ای روبرو شده است که نمونه آن، خط لوله مربوط به گاز ترکمنهاست. نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان که اخیراً «ترکمن‌باشی»

جوهر دودایف رئیس جمهور چچن هم تردیدی ندارد که سرزمین آبا و اجدادی او در موقعیتی کاملاً استثنائی قرار داشته و از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو، مقاومت در این جمهوری کار کنسرسیوم خط لوله دریای خزر را به بن بست کشانیده و توجه شرکت‌های غربی را به مسیرهای دیگر معطوف نموده است.

۵- صادرات گاز جمهوری ترکمنستان

بامانعت روسیه از صدور گاز ترکمنستان به بازار اروپا از طریق خط لوله روسیه، صادرات گاز این جمهوری در حال حاضر به صفر رسیده است. در حالی که در سال ۱۹۹۲ ترکمنستان ۱۱ میلیارد متر مکعب (۳۸۸ میلیارد فوت مکعب) گاز به اروپای غربی صادر کرده بود. این امر بر تولید گاز ترکمنستان تأثیر گذارده و تولید گاز را از ۶۵/۲ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۳ به ۳۳/۸ میلیارد متر مکعب تقلیل داد. از این رو، موقعیت استراتژیک کشورمان باعث گردید این جمهوری تنها راه خروج از مشکلات را در گرو همکاری با کشورمان ببیند. این بود که پس از مذاکرات مربوط، جمهوری اسلامی ایران موافقت کرد خط لوله انتقال گاز این جمهوری از طریق کشورمان به ترکیه و سپس به اروپا کشیده شده و صدور گاز طبیعی ترکمنستان به اروپا عملی شود. در همین ارتباط معاون وزیر انرژی ترکیه گفته بود: شرکت خط لوله ترکمنستان، که مسؤل این پروژه است در نظر دارد ۶۰ درصد از سهم خود را به شرکای خارجی واگذار کند. از طرف دیگر، «الکساندر هیگ» وزیر

منعقد کردند. مقامات آمریکایی اظهار می‌دارند که با چنین قراردادهایی مخالفتی ندارند. نظار به اهمیتی که در شرایط فعلی این جمهوریها پیدا کرده‌اند جادارد که به‌طور عمیق‌تر به بررسی اهمیت استراتژیک جمهوریهای شوروی سابق بپردازیم.

اهمیت آسیای مرکزی

بیش از دهه‌هاست سال است سرزمینی که از پهنج کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان تشکیل شده مطرح نظر امپریالیستی بوده است.

در قرون گذشته و زدهم از این مسدابقه امپریالیستی در آسیای میانه تحت عنوان بازی بزرگ، نام برده می‌شده است. به‌واسطه تثنای قرقیزستان، چهار جمهوری دیگر برای ایجاد تحول در زندگی مردم خود پیش از منابع طبیعی بیش از حد از برخوردار هستند. از ترکمنستان دارای بزرگترین معدن طلا در جهان است. به‌سالانه بیش از ۵۰ تن سنگ طلا تولید می‌کند. تاجیکستان بزرگترین ذخایر کربن‌شسته شده در جهان را در اختیار دارد. قزاقستان دارای مناطق نفتی است که با منطقه Frudhoe - Boy آلاسکا را برای می‌کند. در حالی که ۱/۴ ذخایر شناخته شده نفت را در اختیار دارد. ترکمنستان هم از نظر ذخایر گاز طبیعی دارای رتبه چهارم در جهان است. بنابراین وقتی در سال ۱۹۹۱ شوروی سابق فروپاشید،

(پدر ترکمنها) لقب گرفته است، برای مسیر خط لوله گاز کشورش، شمال ایران را در نظر دارد. به این ترتیب که گاز ترکمنستان به آذربایجان از طریق ایران انتقال یافته و از آنجا به شرق ترکیه و شهرهای مرکزی و غربی ترکیه که مصرف قابل توجه گاز دارند هدایت شود. علاقه نیازاف به این پروژه به‌جای بود که دستور داده است تا این مسیر را بر سنگ مرمر حک کنند و به‌عنوان سه‌پایه دال بر ثروت مند شدن مردم این کشور به نمایش گذاشته شود. اما از طرف دیگر، عوامل غرب به او پیغام دادند که هرگونه پروژه بزرگی که مستلزم سرمایه‌گذاری خارجی عمده در ایران باشد به دلیل جنگ سردی که بین ایران و واشنگتن وجود دارد عملی نبوده و دولت آمریکا نه تنها متعهد است که از تأمین هرگونه وجهه مالی در ارتباط با پروژه‌های بزرگی که ایران را شامل شود خودداری کند، بلکه براساس قوانین موجود، آمریکا تعهد دارد تا رسماً و به‌طور فعال در بانک جهانی و بانک بازرگاری و توسعه اروپا و سایر نهادهای مالی اعمال نفوذ کرده و مانع از اجرای پروژه‌هایی شود که ایران را شامل می‌گردد. بنابراین ترکمنها ناچار شده‌اند روش پیچیده‌تری را اتخاذ کنند. در کوتاه مدت منافع آنها در این است که ارتباط سیستم گاز خود را با ایران تکمیل کنند. در این صورت می‌توانند برای تأمین نیازهای شهرهای شمالی ایران با گرفتن امتیازاتی در زمینه‌های دیگر، با ایران قرارداد

سوداگران خارجی از همین سال نفوذ گرفته تا معامله گران بزرگ، جهانی به این منطقه کشیده شدند و در واقع مرحله جدیدی از آن بازی بزرگ آغاز شد. ترکیه، ایران، روسیه و غرب در صدد نفوذ خود برآمدند. اگر چه رقابتی که بین روسیه و غرب برای نفوذ در جمهوریهای آسیای مرکزی وجود دارد، مانند رقابت بین شوروی و انگلستان صدسال پیش ممکن است هنوز شمانه نشده باشد ولی از آن به مراتب بیرومانه تر است. دو سال پیش کمپانی شورون آنکه سوئیس که پانزده نفتی بزرگ، امریکایی است، موافقت کرد تا به میزان ۱۰ میلیارد دلار به منظور برخورداری ۲۰ درصد از درآمد نفتی منطقه تنگیز سرمایه گذاری کند. اما روسیه - که خط لوله‌هایی که از آسیای مرکزی به خارج عبور می‌کند را کنترل می‌کند - براین عقیده است که با امکانات فعلی اش حتی یک، دهم این مقدار را نیز نمی‌تواند با این خط لوله‌ها مستقر کند. تحلیل گران نفتی می‌گویند مسکو از این انحصار خط لوله‌ای صرفاً در صدد تأمین سهم افریقای غربی خود از این ثروت است. بنابراین کمپانی شورون یا می‌تواند بهای استفاده از خط لوله‌ای را که روسیه به صورت باج، خواهان آن است بپردازد و یا اینکه مخزن عظیم نفتی در قزاقستان را بدون استفاده باقی گذارد. اوایل سال جاری میلادی (۱۹۹۵) روسها از برنامه‌های خود برای ساخت یک خط لوله جدید، که نفت قزاقها را به دریای سیاه حمل می‌کند پرده برداشتند. به این ترتیب اعمال نفوذ مسکو و

در منطقه نه تنها ادامه خواهد داشت، بلکه گسترش نیز خواهد یافت. هنوز دوهفته از این حرکت مسکو نگذشته بود که حکومت آمریکا اولین چالش جدی خود را در مقابل نفوذ شوروی آغاز کرد. وزارت خارجه آمریکا قرارداد ساختن یک خط لوله دیگری که از منطقه دریای خزر عبور می‌کند را مورد تأیید قرار داد. این خط لوله به جای آنکه از مسیر روسیه استفاده کند از مسیر ترکیه می‌گذرد. دولت ترکیه از این خط لوله به دلیل آنکه رونق داخلی اقتصاد این کشور را فراهم و موضع ترکیه را در آسیای مرکزی تقویت خواهد کرد، استقبال می‌کند. این اقدام وزارت خارجه آمریکا منعکس کننده یک تغییر عمده در سیاست آمریکا نسبت به آسیای مرکزی است. این موضع جدید که با هماهنگی شورای امنیت ملی این کشور صورت می‌گیرد، از یک طرف برای شکست نفوذ و پاره کردن انحصار روسیه بر صادرات نفتی آسیای مرکزی و از طرف دیگر به منظور تأمین منافع شرکتهای نفتی آمریکایی طراحی شده است. اما این اقدامات هنوز نتوانسته از نفوذ قابل ملاحظه روسیه در آسیای مرکزی بکاهد. در حالی که پول نقد از اروپا، آسیای شرقی و آمریکا به آسیای مرکزی سرازیر شده است، مسکو همچنان کنترل خود را بر خروج ثروت‌های این منطقه به خارج حفظ کرده است. روسها از طریق به تعویق انداختن و یا سد کردن انعقاد پروژه‌های جدید توانسته‌اند یا بدون سرمایه گذاری و یا با سرمایه گذاری بسیار کم

آغاز زمین‌بنایی

ایران نشان می‌دهد با طرح معاوضه نفت با ایران موافقت کرده است. از طرف دیگر براساس طرح دیگری خط لوله جدیدی از آذربایجان مستقیماً عبور کرده و از طریق ترکیه به مدیترانه می‌رسد. محتمل‌ترین مسیری که در حال حاضر برای رساندن محموله‌های اولیه نفت به مدیترانه مورد نظر است مسیر ترکیه از طریق گرجستان است. یعنی جایی که افراد مسلح در اطراف آن پرسه می‌زنند و خودسرانه مالیات وضع می‌کنند. کنسرسیوم آذربایجان تا ۳۱ دسامبر سال جاری وقت دارد تا این مشکل را حل کند. اینجاست که مسیر ایران مطرح می‌شود. بر طبق اظهارات مقامات وزارت خارجه آمریکا و منابع معتبر نفتی، چنانچه بین ایران و آذربایجان قراردادی براساس سیستم مبادله امضا تا مقدار معینی نفت کنسرسیوم آذری از ایران صادر شود، آمریکا با آن مخالفتی نخواهد کرد. این نفت خام به شمال ایران خواهد رسید که در حال حاضر برای پاسخگویی به نیاز سوختی خود به محموله‌های نفتی میدین نفتی جنوب ایران وابسته است.

در ازای تسخیر این نفت خام، کنسرسیوم معادل آن را از نفت ایران در خلیج فارس تحویل خواهد گرفت. به نظر می‌آید این معامله با سیاست خارجی آمریکا تناقضی نداشته باشد. زیرا تا به حال حکومت آمریکا مخالفتی با آن نکرده است. آیا این قرارداد به اجرا درخواهد آمد یا

در عمل خود را در تمام معاملات مهم وارد کنند. مثلاً در قزاقستان شرکت گاز «ایتالیایی-انگلیسی» ناچار شده است بیش از ۱۵ درصد از سهم خویش را در Karachaganak (یکی از ده منطقه بزرگ گاز طبیعی در جهان) به Gazprom که در واقع انحصار گاز طبیعی روسیه را در اختیار دارد واگذار کند. به نظر می‌رسد این برای Gazprom3 یک مقدمه است. روسها به‌عنوان کسانی که تنها خط لوله گاز طبیعی را که از قزاقستان می‌گذرد در اختیار دارند، پیشنهاد کرده‌اند که تولید گاز طبیعی منطقه را از شرکت گاز انگلیسی-ایتالیایی به قیمت ۸/۷۴ دلار برای هر هزار مترمکعب خریداری کند. در بازار جهانی نرخ فعلی برای این مقدار گاز حدود ۸۰ دلار است. در نتیجه، چنین رقابتهایی باعث عقب‌ماندگی آسیای مرکزی خواهد شد. شرکت‌هایی نظیر شورون و بی.پی برنامه‌های خود را جهت توسعه این مناطق به تعویق انداخته‌اند. سایر سرمایه‌گذاران غربی نیز به‌طور خصوصی صحبت از قطع کردن ضرر و زیان خود و خروج از منطقه می‌کنند و چون کشورهای آسیای مرکزی نیز به تنهایی قادر به توسعه منابع خود نیستند، خروج آنها باعث موفقیت بیشتر روسیه در تسلط و نفوذ انحصاری در منطقه خواهد شد. این عاملی است که فعلاً مورد توجه و موجبات نگرانی آمریکاست و به همین جهت آمریکا علی‌رغم خصومتی که در روابط خود با

نسبت به سهمی که در این پروژه ۱/۲ میلیارد دلاری دارد، متوقف شده است. در این بین روسیه فشار خود را بر دولت قزاقستان و کمپانی شورون بیش از پیش افزایش داده است. زیرا در سال جاری میلادی تا به حال از حمل بیش از ۶۰ هزار بشکه در روز از منطقه نفتی تنگیز به بازارهای بین‌المللی امتناع ورزیده است. قرار بر این بود که پروژه مشترک تنگیز تا اوایل سال ۱۹۹۵ میلادی تولید خود را به ۱۳۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد. بنابراین نفوذ روسیه در توسعه آینده صنعت نفت قزاقستان از اهمیت بسزایی برخوردار می‌گردد. زیرا بدون سرمایه‌گذاری خارجی تولید نفت قزاقستان مسلماً از سطوح فعلی کاهش خواهد یافت. گسترش و یا بازسازی خط لوله‌های جدید نه تنها بر حجم و جهت جریان نفت تأثیر دارد، بلکه بر سطوح سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه بسیار مؤثر است. از جمله سرمایه‌گذاران خارجی که به صورت بالقوه اکنون در قزاقستان مطرح هستند می‌توان از کمپانی گاز انگلیس،^(۱) کمپانی آجیپ ایتالیا^(۲) و گاز پروم روسیه^(۳) نام برد که اخیراً یک قرارداد مشترک برای توسعه منطقه گازی Karachaganak در قزاقستان امضا کردند.

با توجه به اینکه پالایشگاه‌های قزاقستان عمدتاً در شرق این جمهوری قرار دارند و با خط لوله به ذخایر عظیم نفتی در

خیر؟ آنچه مسلم است این است که روسیه به علت انحصاری که از نظر مسیرهای ارتباطی با توجه به موقعیت ویژه خود برخوردار است نفوذ عمده‌ای را در توسعه نفت و گاز کشورهای مشترک‌المنافع اعمال خواهد کرد. نمونه بارز آن قزاقستان است. قزاقستان بعد از روسیه دومین تولیدکننده بزرگ نفت بین جمهوریهای شوروی سابق است. در حال حاضر روسیه بیش از ۶ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند ولی تولید قزاقستان حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز است. دولت قزاقستان امیدوار است که با کمک خارجیها بتواند تا سال ۲۰۱۰ مازاد صادراتی حداقل ۸۰۰ هزار بشکه در روز داشته باشد. اما تمام این برنامه‌ها به این بستگی دارد که آیا قزاقستان می‌تواند با کمک کمپانی شورون از میدان نفتی تنگیز که دارای ۲۵ میلیارد بشکه ذخیره نفتی است نفت صادر کند یا خیر؟ اوایل کار، طبق برنامه‌ای که در سال ۱۹۹۲ اعلام شد قرار بود نفت خام توسط یک خط لوله جدید از طریق روسیه به بندر Novorossiisk در دریای سیاه صادر شود. اما اکنون مشکلات جدیدی به وجود آمده و لذا توسعه بیشتر صنعت نفت قزاقستان با تداوم این مشکلات با محدودیتهای زیادی روبرو خواهد شد. دلیل عمده این مشکلات نبود تسهیلات لازم و کافی جهت حمل نفت قزاقستان به بازارهای جهانی نفت است. مذاکراتی که بین حامیان مسیر یاد شده (یعنی کنسرسیوم خط لوله دریای خزر CPC)، در جریان بود، اکنون به دلیل اعتراض شورون

1- British Gas

2- Agip

3- Gazprom

امنیت زیربنایی

در سال ۲۰۱۰ با بردار احتیاج به یک راه خروجی صادراتی دارد. به همین دلیل است که اکنون شرکت شورون و خارچ خود را برای توسعه منطقه نفتی تنگیز کاهش داده و مدیریت آن اعزام کرده است، که اگر ظرفیت صادراتی لازم وجود نداشته باشد (نفوذ شوروی)، به طور می توان برای توسعه ظرفیت تسول، پول خرج کرد (سرمایه غرب). بنابراین اگر چه رقابت از بسیاری جهات می تواند موجب پیشرفت باشد اما به نظر می رسد که رقابت این دو قطب به تعویق روند پیشرفت در این جمهوریها و نهایتاً عقب افتادگی آنان منجر شود.

نخده قابل توجه برای جمهوری اسلامی ایران، جاسایگاه خراسان کشوران در موازات های موجود است. به نظر می رسد جهان غرب با وزن جالب همکاری کشورمان نخواهد توانست در منطقه روسیه غلبه کند. از این رو به عبارات بهتر کلید حل این مشکل و شکست بین است موجود در تهران است. زیرا روسیه با همکاری جمهوری اسلامی ایران به مراتب بهتر از فریقان خواهد بود در مقابله دنیای غرب. این امر نشانگر آنست که جهان غرب با جالب نظر می توان آن کشور را نخواهد توانست بر سیطره روسیه در بین مرحله غلبه کند. از این رو به وضع کنونی جمهوری اسلامی ایران در تعیین موازنه نهایی منطقه قهقاز بسیار بالغه است و تعیین دنده است.

غرب مرتبط نیستند، روسیه می تواند از این وضعیت برای نقش خود به عنوان عرضه کننده انرژی به قزاقستان در جهت منافع خویش استفاده کند. این پالایشگاهها مجموعاً دارای ظرفیتی برابر با ۳۹۰ هزار بشکه در روز هستند که قسمت بیشتر خوراک آنها توسط نفت خامی تأمین می شود که، توسط خط لوله از روسیه وارد می شود. در حال حاضر برنامه هایی به منظور ساخت یک پالایشگاه جدید در غرب قزاقستان و نیز یک خط لوله داخلی که مناطق نفتی را به پالایشگاهها متصل کند تهیه شده است. ولی تمام این برنامه ها برای اجرا به سرمایه نیازمندند. آنچه که اینک بیش از هر زمان در این منطقه مشهود است مصادیق یک «بازی بزرگ» است.

در حالی که غرب برای تأمین منافع خویش سعی در نفوذ در منطقه دارد و با امتیاز در اختیار داشتن سرمایه در پی تأمین منافع استراتژیک خویش است، روسیه نیز با برخوردار بودن از امتیاز موقعیت ویژه خود از نظر مکانی و تأمین راههای خروجی و صادراتی نفت این جمهوریها در صدد تأمین و حفظ منافع خویش است. میدان نفتی تنگیز از جمله این مصادیق است. این منطقه نفتی در حال حاضر روزانه ۶۵ هزار بشکه در روز نفت تولید می کند که تقریباً معادل نفتی است که تحت سیطره شوروی سابق تولید می کرد. اگر قرار باشد که به هدف تعیین شده ۷۰۰ هزار بشکه در روز